

Women Employment Discourses
(A Comparative Study of Imam Khomeini's Views and other Prevalent Discourses)

Masoumeh Abdolvahabi¹
Ali Roshanaei²
Omid Ali Ahmadi³
Hossein Jamali Ashtiani⁴

Research Paper

Abstract

Discourses on employment of women entail certain methods that individuals and groups stick to when talking about the need or no need, musts and must-nots about employing women in the society. This paper has picked up the theory and method of discourse analysis based on Laclau and Mouffe theory to develop a comparative study between Imam Khomeini's views and other common discourses concerning employment of women to extract similarities and distinctions. Our statistical population is historical texts on purposely selected intellectual schools. Findings indicate that pro-women employment discourses chiefly place emphasis on self-sufficiency of women, whereas the opposing discourses invoke natural differences and argue that employment of women disrupts family order. In the midst of these two discourses, Imam Khomeini's discourse is based on Islamic teachings, the hegemony of which in the area of employment of women, has had immense consequences in safe and calm entry of women into employment centers and at the same time, settling women's multi-faceted roles in family and career.

Keywords: Imam Khomeini, discourse, women's employment, feminism, liberalism, socialism, Marxism, tradition

1. PhD Student (Economic Sociology and Development), Faculty of Humanities, Ashian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran. Email: m.abdolvahabi55@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Ashian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran. (Corresponding Author), Email: a.roshanaei@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Ashian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran. Email: omidaliahmadi@gmail.com

4. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Ashian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran. Email: hjamali51@yahoo.com

گفتمان‌های اشتغال زنان (مقایسه دیدگاه امام خمینی (س) با دیگر گفتمان‌های رایج)

معصومه عبدالوهابی^۱

علی روشنائی^۲

امید علی احمدی^۳

حسین جمالی آشتیانی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده: گفتمان‌های اشتغال زن شیوه‌های خاصی است که افراد و گروه‌ها برای سخن گفتن درباره ضرورت یا عدم ضرورت و بایدها و نبایدهای اشتغال زنان در جامعه به کار می‌گیرند. در پژوهش حاضر سعی شده با برگزیدن نظریه و روش تحلیل گفتمان بر اساس خوانش لا کلا و موفه به بررسی تطبیقی گفتمان امام خمینی و گفتمان‌های رایج دیگر در مقوله اشتغال زنان و وجوه اشتراك و تمایز آنها پردازیم. جامعه آماری پژوهش متون تاریخی مربوط به مکاتب فکری است که به صورت هدفمند انتخاب شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد گفتمان‌های حامی اشتغال زنان بیشتر بر خودبستگی زن تأکید دارند؛ درحالی که گفتمان‌های مخالف با استناد به تفاوت نظام طبیعی، اشتغال زنان را مخل نظام خانواده تلقی می‌کنند. در میانه این دو گفتمان، گفتمان امام خمینی بر اساس آموزه‌ای اسلامی قرار دارد که هژمونی آن در حوزه اشتغال زنان پیامدهای گسترده‌ای در ورود سالم و بی‌دغدغه آنها به مراکز اشتغال و کار و درعین حال حل تعارض نقش‌های چندگانه زنان در عرصه خانواده و کار داشته است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، گفتمان، اشتغال زن، فمینیسم، لیبرالیسم، سوسیالیسم، مارکسیسم، سنت.

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.
E-mail: m.abdolvahabi55@gmail.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.
E-mail: a.roshanaei@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.
E-mail: omidaliahmadi@gmail.com

۴. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.
E-mail: hjamali51@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱

پژوهشنامه تئین / سال بیست و سوم / شماره نود و سه / زمستان ۱۴۰۰ / صص ۱۰۶-۷۵

مقدمه و بیان مسئله

درباره مشارکت و حضور زنان در فعالیتهای مختلف اجتماعی از جمله ورود آنها به عرصه کار و اشتغال همیشه تردیدها و پرسشهای جدی وجود داشته است که پاسخگویی به آنها دغدغه فکری بسیاری از اندیشمندان و مکاتب اجتماعی بوده است. دغدغههایی که موجب شکلگیری گفتمانهای مختلف و گاه متضاد در این زمینه شده است. گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (فهم یکی از وجوه آن) است (یورگسن و فیلیس ۱۳۸۹: ۱۸)؛ و به تبع آن گفتمانهای اشتغال زن نیز شیوه‌های خاصی است که افراد و گروه‌ها برای سخن گفتن درباره ضرورت یا عدم ضرورت و بایدها و نبایدهای اشتغال زنان در جامعه به کار می‌گیرند. در این میان مکاتب مختلف فکری چون مارکسیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و فمینیسم هرکدام از منظر خود گفتمانهای خاصی را در نقد گفتمان سنتی که با استناد به تفاوت در نظام طبیعی، اشتغال زنان را منحل نظام خانواده تلقی می‌کند خلق کرده‌اند. این گفتمانها، دین و به تبع آن گفتمان دینی را نیز مقوله‌ای از جنس سنت تلقی می‌کنند. در جدال و رقابت این گفتمانها برخلاف باور طیف گسترده‌ای از متفکران اجتماعی که معتقد به افول دین در دنیای مدرن بودند از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد با فراگیری موجی از اسلام‌گرایی، گفتمان دینی در حوزه‌های اجتماعی به‌ویژه حوزه زنان احیا شد. ظهور، تکوین، گسترش و حاکم شدن این گفتمان در دوره معاصر مرهون اندیشمندان و مصلحان بزرگی است که بی‌شک مهم‌ترین آنها امام خمینی بوده است. گفتمان امام خمینی با قرائت راستین از اصول و مبانی اسلام و با توجه به مقتضیات زمان و مکان و اخذ عناصری از سایر گفتمانهای رایج در ایران تکوین یافت و توانست با مغلوب نمودن و به حاشیه راندن گفتمانهای دیگر در ایران هژمونی خود را تثبیت نماید. هژمونی این گفتمان، پیامدهای گسترده‌ای در حوزه اشتغال زنان و ورود سالم و بی‌دغدغه آنها به مراکز اشتغال و کار و درعین حال، حل تعارض نقش‌های چندگانه زنان در عرصه خانواده و کار داشته است. نشان دادن وجه تمایز و برتری‌های گفتمان امام خمینی بر دیگر گفتمانهای رایج در این حوزه هدفی مهم در این پژوهش است. درباره ضرورت این مطالعه تطبیقی می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

- گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی دنیای غرب با گستره‌ای جهانی همیشه بر

گفتمان‌های رایج جامعه ایران تأثیرگذار بوده و در برخی موارد حتی زمینه استحاله فرهنگی جامعه ایران را فراهم ساخته‌اند. بر این اساس در نزاع بین گفتمانی، مطالعه تطبیقی این گفتمان‌ها با گفتمان امام خمینی به‌عنوان نمونه‌ای قابل توجه از دیدگاه‌های اسلامی دوران معاصر درباره اشتغال زنان بسیار اهمیت دارد.

- حامیان گفتمان‌های جهان غرب تلاش کرده‌اند گفتمان اسلامی را مخالف اشتغال و ارتقای اجتماعی زنان معرفی کنند. این تبلیغات مسموم در دوران کنونی با ظهور قرائت انحرافی از اسلام که گروه‌های تروریستی مانند طالبان و داعش و مشابه آن‌ها داعیه‌دار آن در سطح جهانی بودند هم‌زمان شده است که در قالب دین با برخورد‌های خشونت‌آمیز، منع فعالیت‌های اجتماعی زنان را توجیه می‌کنند. بر این اساس تبیین اندیشه اسلامی درباره حقوق زنان با بهره‌گیری از دیدگاه اسلام‌شناسان روشن‌اندیش و آگاهی چون امام خمینی ضرورت دارد چراکه دیدگاه ایشان علاوه بر برخورداری از پشتوانه نظری، نماینده نوعی نگاه دینی به زن نیز هست که آموزه‌های آن کم‌وبیش در قالب حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به محک تجربه آزموده شده است.

- از آنجا که زنان به‌عنوان نیمی از افراد جامعه در سرنوشت جامعه نقشی تأثیرگذار دارند، انجام پژوهش‌های تطبیقی درباره گفتمان‌های مختلف با محوریت اشتغال زنان، در واقع تأمل و اندیشه درباره سرنوشت امروز و فردای این قشر مهم جامعه خواهد بود. با توجه به تحولات اجتماعی و گسترش عصر رسانه‌ها از جمله ابزارهای اطلاع‌رسانی جدید به‌ویژه فضای مجازی، گفتمان‌های مرتبط با مسائل زنان در جامعه ما با شتاب و گستره‌ای بیشتر در حال مطرح شدن است. بر این اساس لازم است برای دفاع از کیان فرهنگی جامعه ایرانی - اسلامی، گفتمان اصیل اسلامی که در اندیشه‌ها و آثار امام خمینی متبلور است معرفی شود و برتری‌های آن بر دیگر گفتمان‌ها در تحلیل‌ها نمایان شود.

- با وجود باورمندی به اندیشه‌های امام، در معرکه آرا و اندیشه‌های گوناگون و شباهت ادعاها در عرصه دفاع از حقوق زنان، افرادی می‌توانند موفق شوند که از یک طرف با گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های موجود در این عرصه آشنا شوند و از طرف دیگر

- بتوانند با حضور در میدان رقابت دیدگاه‌ها، برتری دیدگاه امام خمینی و کاستی‌های دیدگاه رقبا را به‌خوبی تبیین کنند (رحمتی ۱۳۸۶: ۷۵).
- بر این اساس در پژوهش حاضر قصد داریم با برگزیدن نظریه و روش تحلیل گفتمان بر اساس خوانش لا کلا و موفه به پاسخگویی پرسش‌های بنیادین زیر دست یابیم:
- گفتمان امام خمینی و گفتمان‌های رایج دیگر در مقوله اشتغال زنان از چه دال‌هایی در مفصل‌بندی برخوردار هستند و اشتغال زنان را چگونه تبیین می‌کنند؟
 - این گفتمان‌ها در بررسی مقوله اشتغال زنان از کدام شباهت‌ها و تمایزات (حمایت/ مخالفت با اشتغال زنان، محدوده فعالیت اجتماعی زنان، بایدونبایدهای اشتغال زنان و شیوه حل تعارض بین نقش‌های شغلی و نقش‌های خانوادگی زنان) برخوردار هستند؟
 - کدام‌یک از این گفتمان‌ها برای احقاق حقوق زنان در عرصه اشتغال کارسازترند و دلایل این برتری چیست؟

۱. نگاهی به شرایط اشتغال زنان در ایران پس‌انقلاب اسلامی

تمایز وضعیت اشتغال زنان قبل و پس از انقلاب اسلامی را فقط در آمار کمی نمی‌توان جستجو نمود. هرچند در دوره پهلوی سهم زنان از جمعیت فعال کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ رو به افزایش نهاده به‌طوری‌که در سال ۵۵ به ۱۲/۹ درصد رسید (بامداد ۱۳۷۵: ۱۲۱)؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تغییرات اجتماعی قابل توجهی در زندگی مردم و به‌ویژه تعاملات متکی به جنسیت شکل گرفت که در اشتغال زنان و کیفیت آن تأثیری عمیق گذاشت. این مسئله به همراه تأثیرات جنگ تحمیلی هرچند میزان اشتغال زنان را طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ کاست و به ۸/۲ درصد رساند؛ اما محیط سالم و امن شغلی و تأکید بر ایفای هم‌زمان و دور از تنش نقش همسری و مادری در کنار نقش شغلی موجب تمایز و برتری اشتغال زنان در دوره پس از انقلاب با دوره پهلوی بوده است. این تمایز و برتری در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین پشتوانه حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های اقتصادی و قانون کار که بر اساس عملیاتی شدن اصول قانون اساسی تدوین شده است نیز قابل پیگیری و اثبات است. پس از جنگ تحمیلی از نظر کمی وضعیت اشتغال

زنان بهبود یافت و در طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ به ۹/۱ درصد رسید (بامداد ۱۳۷۵: ۱۲۱). این میزان در سال ۱۳۸۵ به میزان قبل از انقلاب نزدیک شد و به ۱۲/۵ درصد رسید. باین‌همه طی ۱۰ سال گذشته نرخ مشارکت زنان همواره کم‌تر از ۱۷ درصد بوده و نرخ بیکاری زنان تقریباً دو برابر مردان بوده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰: ۲۱، ۵۲). بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ در بازار کار کشور از ۲۴ میلیون شاغل موجود در کشور فقط ۵ میلیون نفر زن هستند و از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بیکار کشور یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر زن هستند؛ به عبارتی آمار زنان بیکار کشور ۳۴ درصد است. در این زمینه یکی از مقام‌های وزارت کار هشدار داده است که در آینده با درخواست ۲/۵ برابری زنان برای حضور در بازار کار مواجه خواهیم شد. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ از ۴۱/۱ به ۱۲/۶ درصد تقلیل یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۱). از دلایل کاهش این نرخ تشدید تحریم‌های بین‌المللی بوده که در سال ۱۳۹۱ به اوج رسید. با کاهش این تحریم‌ها در سرشماری سال ۱۳۹۵، نرخ مشارکت اقتصادی زنان به ۱۳/۲ افزایش یافت که بالاترین میزان در شصت سال اخیر است و نرخ بیکاری زنان با اندکی کاهش به ۲۲/۶ رسید. باین‌حال پایین بودن مشارکت زنان و مردان در بازار کار «نگران‌کننده» است. بخشی از بهبود وضعیت اشتغال زنان در سال‌های اخیر را شاید بتوان به گسترش کسب‌وکارهای اینترنتی مربوط دانست که به زنان امکان داده از برخی موانع سنتی، فرهنگی و حقوقی و ناامنی‌های کار، گذر کرده و دانش خود در امور خانه را با استفاده از این امکانات در سطح وسیع‌تری ارائه کنند، ساعت‌های کاری منعطف‌تری داشته باشند و هم‌زمان امور خانه را بگردانند و از کودکان نگهداری کنند.

۲. رویکرد نظری

اصطلاح تحلیل گفتمان، نخستین بار توسط زلیک هریس^۱ به کار رفت (Schiffrin 1994: 24). گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی، شکل‌دهنده ذهنیت و تعاملات سیاسی یا همان قدرت هستند. رویکردهای تحلیل گفتمان متکی بر نظریه زبانی ساختارگرا

و پس‌اساختارگرا هستند. مهم‌ترین این نظریه‌ها، نظریه فردینان دو سوسور^۱ (بی‌برویش ۱۳۶۳: ۳۱-۳۰)؛ «منطق گفتگویی» میخائیل باختین^۲ (میلنر و براویت ۱۳۸۵: ۱۴۳)؛ زبان‌شناسی کاربردی نظام‌مند هلیدی^۳؛ نظریه فراگفتمان جیمز پل گی^۴؛ نظریه تئو ون دایک^۵ (ون دایک ۱۳۸۲: ۱۲۶)؛ رهیافت گفتمانی تاریخی وداک^۶؛ رهیافت شبکه‌ای نظام بخش جاگر^۷ (Jager 2001)؛ روان‌شناسی گفتمانی؛ نظریه گفتمان ارنستو لا کلا^۸ و شاتال موفه^۹؛ و تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف^{۱۰} است (یورگنسن و فیلیس ۱۳۸۹: ۱۶۳، ۱۷۷). در این پژوهش به دلایلی که در زیر به آن‌ها اشاره شده است از نظریه گفتمانی لا کلا و موفه استفاده شده است.

نظریه تحلیل گفتمان لا کلا و موفه از مزایای فراوانی برای تحلیل پدیده‌های سیاسی برخوردار است و کاربرد گسترده و فزاینده آن در علوم اجتماعی و سیاسی دلیلی بر این مدعاست. لا کلا و موفه فرض اصلی هر رویکرد گفتمانی را این عقیده می‌دانند که صرف امکان تصور، دریافت حسی، اندیشه و عمل به ساختمان شدن حوزه معنی‌داری بستگی دارد که پیش از هرگونه بی‌واسطگی عینی حضور دارد. آنان بر این پندارند که همه ابژه‌ها و کنش‌ها معنادارند و به‌طور تاریخی به‌وسیله نظام خاصی از قواعد به آن‌ها معنا تخصیص داده شده است (فجری و نظری ۱۳۹۲: ۵۲).

در این رویکرد تمایزی میان ابعاد گفتمانی و غیر گفتمانی امر اجتماعی وجود ندارد. به این معنا که تمامی عمل‌ها، گفتمانی‌اند؛ و خود گفتمان، امری مادی است و پدیده‌هایی همچون اقتصاد و دیگر نهادها، جزئی از گفتمان‌اند. ایده کلی نظریه گفتمان این است که

1. Ferdinand de Saussure
2. Mikhail Mikhailovich Bakhtin
3. Halliday
4. James Paul Gee
5. Teun Adrianus van Dijk
6. Wodak, R
7. Jager
8. Ernesto Laclau
9. Chantal Mouffe
10. Fairclough

پدیده‌های اجتماعی هرگز تمام و تکمیل نمی‌شوند. چون معنا هرگز به صورت نهایی تثبیت نمی‌شود، راه برای مبارزه اجتماعی دائمی در خصوص تعریف هویت و جامعه و در نتیجه پیامدهای اجتماعی باز است. وظیفه تحلیل گفتمان طراحی جریان این درگیری‌ها برای تثبیت معنا در همه سطوح اجتماعی است.

لاکلا و موفه نظریه خود را با تلفیق و حک و اصلاح دو سنت نظری مارکسیسم و ساختارگرایی ساختند. مارکسیسم نقطه شروعی برای اندیشیدن راجع به امر اجتماعی در اختیار آن‌ها قرار داد و ساختارگرایی نظریه‌ای درباره معنا. آن‌ها این دو سنت را در قالب یک نظریه پسا ساختارگرا با یکدیگر تلفیق کردند. (Laclau and Mouffe 1985) برخی از مفاهیم کلیدی این نظریه در جدول زیر خلاصه شده است.

مفهوم	تعریف
عنصر	نشانه‌هایی که معانی چندگانه آن‌ها هنوز تثبیت نشده‌اند.
مفصل‌بندی	هر عملی که عناصر و نشانه‌های مجزا را در ارتباط قرار دهد (تاجیک ۱۳۸۴: ۴۶).
دال مرکزی ^۱	نشانه‌هایی که سایر نشانه‌ها در اطراف آن مفصل‌بندی می‌شوند و نظام معنایی می‌یابند.
دال شناور	نشانه‌هایی که هنوز در یک گفتمان تثبیت نشده‌اند.
هژمونی	فرض نیروی هژمونیک در مواردی است که رابطه میان دال‌ها برقرار شود. در چنین رابطه‌ای، عناصر هویت اولیه خود را از دست می‌دهند تا به عنوان جزئی از یک گستره معنایی به حساب آیند. از دیدگاه نظریه لاکلا و موفه عوامل سیاسی، اعتبار، در دسترس بودن، طرد و برجسته‌سازی از عوامل هژمونی گفتمان هستند؛ اما هژمونی و تثبیت معنای دال‌ها در تمام گفتمان‌ها موقتی است (حسینی زاده ۱۳۸۳: ۲۰).
غیریت ^۲ سازی	مفهوم غیریت سازی زمانی معنی می‌یابد که گفتمان‌ها به طرد و نفی یکدیگر می‌پردازند. غیریت سازی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت دارد: ۱) تثبیت مرز برای هر هویت گفتمانی؛ ۲) تولید دیگر برای تأسیس مرز؛ ۳) آزمودن غیریت سیاسی برای نشان دادن محتمل و مشروط بودن هویت.
سوژه ^۳ و هویت	از منظر گفتمانی فرد به عنوان سوژه خودمختار پذیرفته نمی‌شود، بلکه هویت او از طریق بازنمایی در یک گفتمان و انتساب به یک موقعیت گفتمانی تحقق می‌یابد.

جدول ۱- ابزارهای تحلیلی لاکلا و موفه (لاکلا و موفه ۱۳۹۳)

1. Nodal point
2. Otherness
3. subject

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی با روش کتابخانه‌ای است که با بررسی مطالب و داده‌های تاریخی در متون ادبیات با روش توصیفی و تحلیل گفتمان لا کلا و موفه انجام می‌گیرد. در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات معتبر، ضمن بررسی پژوهش‌های پیشین مرتبط، صحیفه ۲۲ جلدی امام خمینی جهت استخراج گفتمان ایشان و در بررسی گفتمان‌های رایج دیگر کتب مرتبط با اندیشه‌های متفکران و نیز فرهنگ‌های علوم اجتماعی و سیاسی مورد کنکاش قرار گرفت و مطالب مرتبط جهت تحلیل انتخاب گردید.

۴. اعتبار و پایایی تحقیق

با وجود نبود اجماع درباره معیارهای سنجش اعتبار تحلیل گفتمان پاتر و وتر دو معیار انسجام و سودمندی را معرفی کرده‌اند (بورگنسن و فلییس ۱۳۸۹: ۲۷۷). در این پژوهش سعی بر این بوده است که تحلیلی محکم و جامع که با شفافیت همراه باشد ارائه شود. ضمن آنکه سودمندی تحلیل به‌ویژه در دفاع از حقانیت گفتمان اسلامی امام خمینی مدنظر بوده است. پایایی تحلیل گفتمان به‌عنوان روشی کیفی بر اساس رویه تحقیق^۱ انجام می‌گیرد (فلیک ۱۳۸۸: ۴۱۲) که در این پژوهش مدنظر بوده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

گفتمان‌های رایج در حوزه اشتغال زنان را از نظر جبهه‌گیری می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی نمود: حامی، مخالف؛ و موافق مشروط.

۵-۱. **گفتمان‌های حامی:** این دسته از گفتمان‌ها با گرایشی فمینیستی در قالب‌های مختلف فکری چون فمینیسم رادیکال، لیبرالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی نه تنها از اشتغال زنان حمایت می‌کنند بلکه حتی بر جنبه‌های بخش آن درباره زنان تأکید می‌کنند.

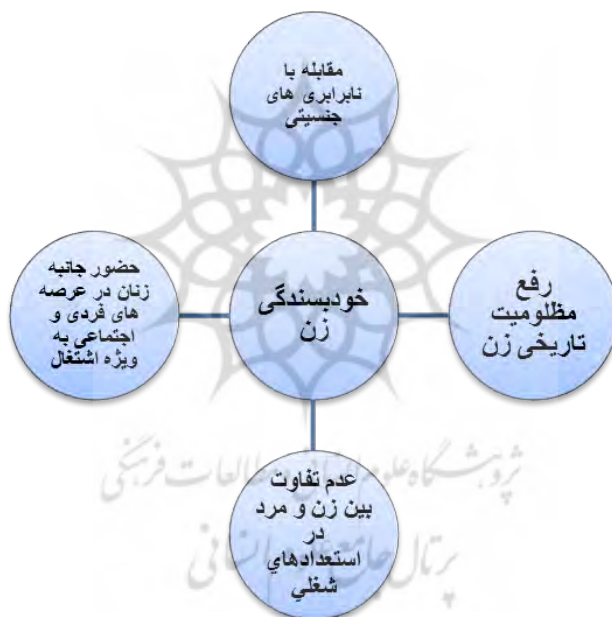
۵-۱-۱. گفتمان فمینیستی رادیکال

اندیشه فمینیستی اندیشه‌ای یکدست نیست و امروزه می‌توان دست کم از ۲۵ نوع فمینیسم سخن به میان آورد که هر یک نظریه‌پردازان و آثار ویژه خود را دارند (Code 2000). در این میان فمینیسم رادیکال یکی از شناخته‌شده‌ترین گونه‌هاست. در مفصل‌بندی این گفتمان درباره اشتغال زنان، حول نشانه مرکزی خودبسنندگی زن، نظام معنایی متشکل از دال‌های شناور «مقابل با نابرابری‌های جنسیتی»، «رفع مظلومیت تاریخی زن»، «عدم تفاوت بین زن و مرد در استعدادها و شغلی» و «حضور همه‌جانبه زنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی به‌ویژه اشتغال» شکل گرفته است. تأکید بر خودبسنندگی زن به‌عنوان دال مرکزی این گفتمان به این معناست که بر پایه نگرش او مانیستی، زن به‌عنوان مالک روح و جسم خویش، می‌تواند درباره حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی از جمله اشتغال خود تصمیم‌گیری نماید. در این مفصل‌بندی، دال اصلی باور به عدم تفاوت بین زن و مرد موجب می‌شود با انکار تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد این مسئله بیشتر معلول فرهنگ مردسالار حاکم بر جامعه تلقی شود. بر اساس این گفتمان، مردسالاری نخستین و بنیادی‌ترین شکل سلطه و انقیاد است. شیوه تولید خانگی، زنان را تحت استثمار و سلطه مردان قرار می‌دهد و به سود مردان است برای رفع نیازهای خود مانع از ورود زنان به بازار کار شوند و ایشان را حتی در صورت اشتغال تحت فرمان خود بگیرند. گفتمان فمینیسم جنسیت را در مفهوم بیولوژیک یا فرهنگی آن، عامل فشار و ظلم به زنان دانسته و بر این اساس با نقش‌های از پیش تعریف‌شده و معمول برای زنان در عرصه خانواده و اشتغال مخالفت می‌کند.

امتیاز موضع فمینیست رادیکال در نشان دادن چگونگی بهره‌گیری از کار خانگی زنان و شیوه‌هایی است که اتحادیه‌های کارگری مردسالار و مردان کارفرما به کار می‌گیرند تا زنان را از اشتغال دور نگاه‌دارند یا به هنگام اشتغال آن‌ها را در کنترل خود داشته باشند؛ اما این رویکرد نیز توصیفی جلوه می‌کند و در توجیه راه‌های ورود زنان به بازار کار که به‌رغم آن‌ها به زیان مردان است توفیق چندانی به دست نمی‌آورند (آبوت و والاس ۱۳۸۷: ۲۰۴).

در نقد این گفتمان باید گفت مفصل‌بندی گفتمان فمینیستی بر پایه خودبسنندگی بدون قید و بند نه تنها در آموزه‌های دینی که حتی از سوی برخی جوامع غربی نیز قابل قبول نیست. این گفتمان به‌واسطه نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد و تمایز قائل شدن میان

کرامت آن‌ها و پررنگ کردن نگاه جنسیتی؛ زن‌گرایی افراطی و بازتولید مرد ستیزی؛ بی‌یا کم‌توجهی به برخی از اقتضائات طبیعی و معقول زندگی بشر، مثل تشکیل خانواده و حفظ این نهاد؛ زمینه‌سازی و کمک به ایجاد نگاه ابزاری به زن؛ بازتولید روایتی جنسیت‌گرا و نادرست از برتری و تبعیض نژادی؛ تأکید بیش‌ازاندازه بر سیاست‌های جنسی و نابرابری جنسیتی و نادیده گرفتن ظلم و تبعیض طبقاتی و نژادی؛ اخلال در سلامت حیات اجتماعی زنان (Zalewski 2000: 11) مورد انتقاد جدی قرار گرفته است (رحمتی ۱۳۸۶: ۹۱-۹۰) و در حمایت از اشتغال زنان طریق افراط در پیش گرفته است.



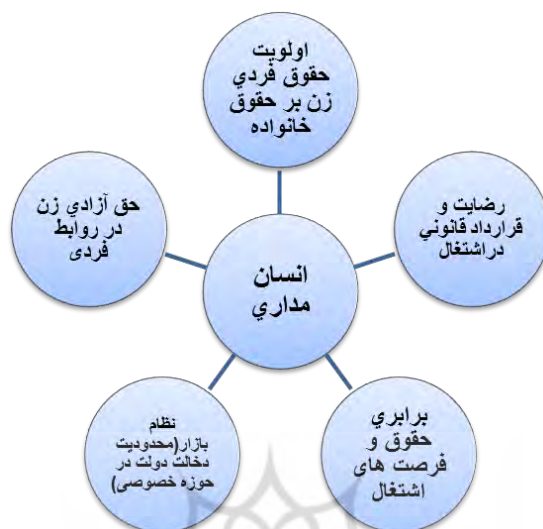
شکل ۱- مفصل‌بندی دال اشتغال زن در گفتمان فمینیستی رادیکال

۵-۱-۲. گفتمان لیبرالیستی

لیبرالیسم به‌عنوان گفتمان سیاسی مبتنی بر اصل محدودیت دخالت دولت در حوزه خصوصی انسان را موجودی مختار می‌داند که می‌تواند بر طبق آرا خود زندگی کند (توحید

فام ۱۳۸۳). ویلیام گلستون^۱ به‌عنوان یک مدافع جدی لیبرالیسم، بی‌طرف بودن دولت را مساوی با اصل لیبرال بودن می‌داند (Galston 2002: 5) در مفصل‌بندی گفت‌وگوهای لیبرالیستی درباره اشتغال زنان حول نشانه مرکزی «انسان‌مداری» نظام معنایی متشکل از دال‌های اصلی «اولویت حقوق فردی زن بر حقوق خانواده»؛ «محدودیت دخالت دولت در حوزه خصوصی»؛ «رضایت و قرارداد قانونی اشتغال»؛ «برابری حقوق و فرصت‌های اشتغال»؛ «نظام بازار»؛ «حق آزادی زن در روابط فردی» شکل گرفته است. این گفت‌وگوها منتقد موقعیت فروتر زنان در بازار کار است. موقعیتی که به تبعیت از نظام‌های جامع اجتماعی ناشی از موقعیت کمتر زن در خانه و فرمان‌برداری وی از مرد است. گفت‌وگوهای لیبرالیسم با پافشاری بر حقوق برابر، معتقد است سرمایه انسانی و استعداد زنان، ناشی از فرصت‌هایی است که برای ارتقای توانایی آن‌ها در اختیارشان گذاشته می‌شود. در صورت وجود چنین فرصت‌هایی، جوهره وجود زنان، هم‌تراز مردان آشکار خواهد شد و همانند آن‌ها از کار لذت خواهند برد.

هرچند برخی از نویسندگان مثل فوکویاما از لیبرال دموکراسی به‌عنوان نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشریت و آخرین شکل حکومت بشری یاد نموده‌اند (منصور نژاد ۱۳۸۱: ۲۶۱)؛ اما این گفت‌وگوها مورد انتقادهای جدی است. استاد مطهری اندیشه لیبرالیسم را از منظری علمی مورد نقد قرار داده است (منصور نژاد ۱۳۸۱: ۲۶-۲۷). تأکید بی‌قیدوبند گفت‌وگوهای لیبرالیسم بر انسان‌مداری تأثیرات مخربی بر مسئله اشتغال زنان به‌ویژه در حوزه روابط خانوادگی، محیط شغلی و تعاملات شغلی به همراه دارد و زمینه از بین رفتن حقوق کودک و همسر را فراهم می‌کند، چراکه در اشتغال زن با توازن حقوق کودک و همسر با حقوق زن همیشه حقوق زن مقدم شمرده می‌شود. همچنین روابط آزاد جنسی که می‌تواند محیط‌های شغلی را برای زنان ناامن کند در نهایت پیامدهایی همچون موالید ناخواسته، سقط جنین، سستی بنیان خانواده، خانواده‌های تک والدینی، همجنس‌گرایی، تولد ناشناس، روسپی‌گری و خودفروشی، هم‌خانگی، تأخیر در سن ازدواج و عدم تشکیل خانواده و انواع بیماری‌های مقاربتی را به همراه می‌آورد (هاجری ۱۳۸۲: ۵۶-۵۵).



شکل ۲- مفصل بندی دال اشتغال زن در گفتمان لیبرالیستی

۳-۱-۵. گفتمان سوسیالیستی

با وجود تفکیک انواع مکتب‌های سوسیالیستی از یکدیگر مانند سوسیالیسم دولتی، اصلاح طلب، تعاونی طلب، کلیه این مکاتب به دو گروه سوسیالیسم تخیلی و علمی تقسیم می‌شوند (نمازی ۱۳۷۴: ۵-۴۴). شیوه غیریت سازی این مکاتب با گفتمان لیبرالیستی این است که دال مرکزی «انسان‌مداری» از مفصل بندی طرد می‌شود و به جای آن دال «جایگاه زن در بستر اصالت جمع» جایگزین می‌شود. در صحنه عملی و اجرایی نیز «اشتغال زنان بر اساس مالکیت و برنامه‌ریزی دولتی» است.

با استیلای مفهوم «اصالت جمع» به عنوان دال مرکزی این گفتمان، پیوند سرمایه‌داری و مردسالاری و تسلط مردان بر زنان در عرصه خانگی و عمومی قابلیت نقد پیدا می‌کند. فمینیست‌های سوسیالیست معتقدند سرمایه‌داری و مردسالاری در همه سطوح جامعه بر

یکدیگر اثر می‌گذارند. به نظر هایدی هارتمن^۱ (۱۹۷۸) مردان برای حذف زنان از اغلب مشاغل با یکدیگر متحد شده‌اند تا خاطر جمع باشند که زن در حرفه‌هایی که به او عرضه می‌شود دستمزد کم‌تری دریافت می‌کند و مجبور است در درون خانواده هم چنان به مرد متکی باشد. از دیدگاه سیلویا والبی^۲ (۱۹۸۶) عامل اصلی جلوگیری از ورود زنان به بازار کار مناسبات مردسالاری جاری است. دولت نیز مردسالار است و با ممانعت از این که زنان کار خود را با شرایطی مشابه مردان به فروش بگذارند و همچنین با حمایت از نوع خاصی از خانواده (خانواده هسته‌ای) که مبتنی بر خدمات بی‌جیره و موجب زن در خانه است، نقش تاریخی خود را ایفا کرده است. والبی در نهایت استدلال می‌کند که زنان همچنان با شرایط کار در شیوه تولید خانگی می‌سازند و خانه‌داری از کارهای دیگری که نصیب زنان می‌شود بدتر نیست (آبوت و والاس ۱۳۸۷: ۲۰۵).

بر اساس سوسیالیسم تأسیس جامعه‌ای که کارگران از جمله زنان از حقوق سیاسی و امنیت اقتصادی و شغلی برخوردار شوند با ایجاد دولت رفاه بخش و توزیع مجدد درآمدها امکان‌پذیر است (گولد و کولب ۱۳۸۴: ۵۲۹-۵۲۸). امتیاز موضع فمینیست‌های سوسیالیست در این است که نقشی را که هم مردان و هم نظام سرمایه‌داری در انقیاد و استثمار زنان ایفا می‌کند تشخیص می‌دهد. این نظریه راهی برای توجیه مشارکت زنان در بازار کار ارائه می‌دهد و سیلویا والبی به مواردی که ممکن است خواست مردان و خواست نظام سرمایه‌داری در تضاد قرار گیرند و نیز به شیوه تسلط و کنترل مردان بر زنان در هر دو عرصه خانگی و عمومی اشاره دارد؛ اما این نظریه هم مانند دو نظریه پیشین نسبت به تلاش‌های زنان در زمینه مبارزه با موضع فرودست خود عنایت چندانی نشان نمی‌دهد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که برای هر چیزی توجیهی دارد اگر چیزی که خواسته مردان یا در جهت منافع آنان است تحقق نیابد به این علت است که در آن زمینه برد با نظام سرمایه‌داری بوده و برعکس (آبوت و والاس ۱۳۸۷: ۲۰۵). از منظر استاد مطهری نیز بر اندیشه سوسیالیسم نقدهای جدی وارد است (منصور نژاد ۱۳۹۲: ۲۶-۲۵).

1. Heidi Hartmann

2. Sylvia Walby



شکل ۳- مفصل بندی دال اشتغال زن در گفتمان سوسیالیستی

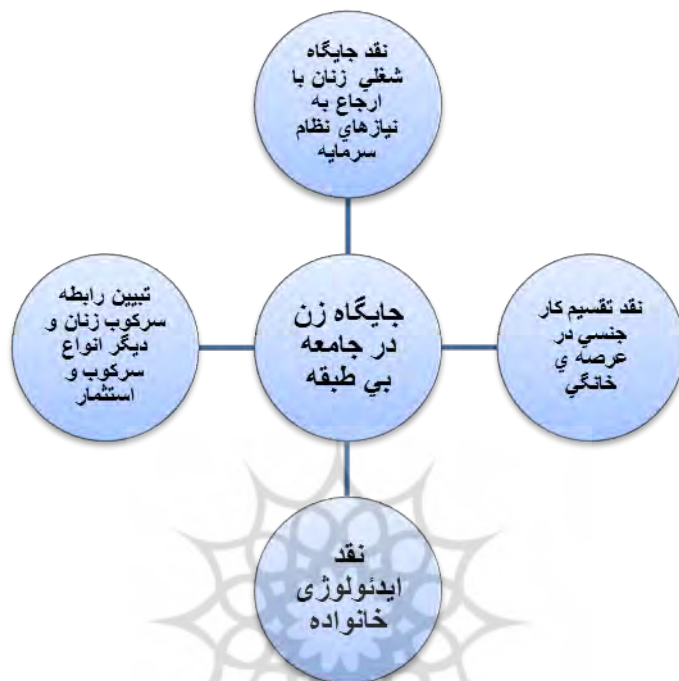
۴-۱-۵. گفتمان مارکسیستی

مفصل بندی دال اشتغال زن در گفتمان مارکسیستی بر اساس «جایگاه زن در جامعه بی طبقه» انجام می گیرد. این گفتمان ضمن حمایت از اشتغال زنان نسبت به جایگاه شغلی پایین زنان و بهره کشی از آنها در جامعه سرمایه داری نقدهایی جدی مطرح می کند و این جایگاه پایین را به «ایدئولوژی خانواده» و «تقسیم کار جنسی در درون خانواده» منتسب می کند. تقسیم کار جنسی در عرصه خانگی که زنان را به خانه داری مکلف می کند با نیازهای نظام سرمایه داری به نوع مشخصی از نیروی کار یعنی نیمه وقت و کم درآمد و انعطاف پذیر همخوانی دارد. این همخوانی سهم زنان از مشاغل در بازار کار را توجیه می کند.

به گفته برخی مارکسیست فمینیست ها زنان، حکم سپاه ذخیره کار صنعتی را دارند که در دوران رونق اقتصادی که نیروی کار کم است به کار تولیدی فراخوانده می شوند و به

هنگام رکود عذرشان را می‌خواهند. نظر بعضی دیگر این است که زنان زمانی اجازه ورود به بازار کار را یافتند که کار مکانیزه شد. زمانی که کار به واحدهای کوچک‌تر تجزیه شده و کم‌تر تخصصی به حساب می‌آمد، کار ارزان زنان به جای کار گران‌قیمت‌تر مردان نشست؛ اما به نظر بعضی دیگر، جداسازی شغلی از این رو برقرار شده که زنان نتوانند جای مردان را بگیرند؛ یعنی بازار کار به دو بخش متشکل از مشاغل مردانه و مشاغل زنانه تقسیم شده است.

امتیاز رویکرد مارکسیستی آن است که می‌کوشد نظریه‌ای در باب رابطه میان سرکوب زنان و دیگر انواع سرکوب و استثمار ارائه کند. این نظریه جایگاه زنان در بازار کار را با ارجاع به نیازهای نظام سرمایه‌داری توضیح می‌دهد؛ ولی از مقوله تخصص و از این که تغییرات حاصل از فن‌آوری‌های تازه به غیرتخصصی شدن کارها می‌انجامد تصویری عینی و مکانیکی دارد. از سوی دیگر الگویی که نگرش مارکسیست فمینیستی برای کار اختیار می‌کند الگوی ساخت و تولید است و به نظر می‌رسد درباره حد ماشینی شدن کارها مبالغه می‌کند. افزون بر این، جامعه‌شناسان مارکسیست به ورطه نوعی کارکردگرایی می‌افتند و تحلیل اشتغال زنان را از بررسی نیازهای سرمایه‌داری برمی‌گیرند که استدلال آنان را در مداری بسته قرار می‌دهد و دست‌آخر این که گرایش بیش‌ازاندازه این گروه به مادی‌گرایی سبب شده است که به نقش آرمان خانواده در تعیین جایگاه زنان در بازار کار توجه کافی مبدول نکنند (آبوت و والاس ۱۳۸۷: ۲۰۳-۲۰۴).



شکل ۴- مفصل بندی دال اشتغال زن در گفتمان مارکسیستی

۵-۲. **گفتمان های مخالف:** این دسته از گفتمان ها که دیدگاهی منفی به اشتغال زنان در بیرون از خانه دارند برخلاف تصور فقط محدود به دوره پیشامدرن نیست بلکه در دوره مدرن و پسامدرن نیز رواج داشته و برخی متفکران اجتماعی از حامیان اصلی آن ها محسوب می شوند.

۱-۲-۵. گفتمان سنتی

سنت به طور معمول برای اشاره به انتقال شفاهی به کار برده می شود و منظور این است که وجوه فعالیت یا سلیقه یا اعتقاد از یک نسل به نسل بعدی می رسند و به این ترتیب به صورت دائمی درمی آید. سنت وسیله ای است که از طریق آن هر کودک، چیزی از رسوم اخلاقی و ذخیره دانش متراکم و تعصب نیاکانش را فرامی گیرد (گولد و کولب ۱۳۸۴: ۵۱۹). سنت

برای حیات فردی و اجتماعی اقشار مختلف از جمله زنان قواعد متفاوتی معرفی می‌کند. در گفتمان سنتی جامعه ایران که حاصل آمیزش میراث تاریخی و دیدگاه خاصی از مذهب در جامعه ایران در قرون متمادی بود، نگرش به زن، مبتنی بر برتری و تفوق توانایی‌های زن به‌عنوان اموری طبیعی و مبتنی بر نظام آفرینش معرفی می‌شد. بر همین اساس، زنان به لحاظ ذهنی و جسمی موجوداتی پایین‌تر از مردان در نظر گرفته می‌شدند که این امر از تفاوت نظام طبیعی در خلقت زن و مرد نتیجه گرفته می‌شد.

مفصل‌بندی گفتمان سنتی درباره اشتغال زنان بر حول نشانه مرکزی «نابرابری ذاتی و طبیعی زن با مرد» موجب می‌شود نظام معنایی ویژه‌ای شکل بگیرد که بر اساس آن بر «نقش خانوادگی زن» و «انحصار کار زن در خانه و مزرعه پدری یا شوهری»، تأکید شود و نه تنها نسبت به اشتغال زن در محیط اجتماعی دیدگاهی منفی وجود داشته باشد بلکه با تأکید بر «سلسله‌مراتب قدرت خانوادگی (پدرسالاری)» این کار تابو تلقی گردد.

پیشینه معرفت‌شناسی گفتمان سنتی، نگاه منفی به زن است؛ زیرا او را عامل فتنه‌انگیزی و فساد در جامعه می‌پندارد. از این نگاه، بین زن و مرد در کسب کمالات انسانی، تفاوت وجود دارد. این نگاه مسائل حقوقی و اجتماعی مربوط به زنان را نیز دربر می‌گرفت (استاک ۱۳۹۷: ۱۲-۱۳). در این گفتمان، جایگاه اصلی زن، اندرون یا سپهر خصوصی است و جایگاه مرد، بیرون یا سپهر عمومی است. گفتمان سنتی با تکیه بر نگرش‌های فوق، به تفسیری مضیق درباره حقوق اعطایی به زن از متون و منابع دینی می‌پرداخت و حضور اجتماعی زن نیز به صورتی بسیار محدود و کنترل‌شده مطرح می‌شد. به عبارتی دیگر، گفتمان سنتی وضعیت فرودست یا حداقل متفاوت زنان را با تکیه به طبیعت و نقش طبیعی آن‌ها به‌عنوان مادر که وظیفه‌اش به وجود آوردن و تربیت فرزندان است و به‌عنوان همسر، کسی که باید از شوهرش اطاعت کند و دختر، فردی که باید از پدر و گاهی برادر اطاعت کند، توضیح می‌داد و از آموزه‌های دینی و عرفی برای توجیه آن استفاده می‌کرد (مشیرزاده ۱۳۷۸: ۱۴).



شکل ۵- مفصل بندی دال اشتغال زن در گفتمان سنتی

۵-۳. **گفتمان‌های موافق مشروط:** در میانه گفتمان‌های حامی و مخالف اشتغال زنان با دسته دیگری از گفتمان‌ها مواجه هستیم که رویکردی مشروط به مسئله دارند. این گفتمان‌ها با اصل اشتغال زنان موافق هستند؛ اما شروطی نیز در این میان مطرح می‌کنند که مهم‌ترین آن اصل تقدم خانواده در میانه تراحم نقش خانوادگی و نقش شغلی زن است. مهم‌ترین گفتمان این دسته گفتمان اسلامی و گفتمان‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری است که بر قرائت اسلام ناب محمدی متکی هستند.

۵-۳-۱. گفتمان اسلامی (امام خمینی)

گفتمان امام خمینی درباره اشتغال زنان برگرفته از آموزه‌های دینی اسلام است. اسلام اصول مشخصی را برای شخصیت زن ترسیم نموده است که حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی

و فرهنگی زن بر پایه آن‌ها تعریف می‌شود. در گفتمان اسلامی که «کسب حیات طیبه^۱» در جایگاه دال مرکزی قرار گرفته است، نشانه‌هایی چون «حق اشتغال زنان»، «اصل استقلال مالی زن و مرد^۲»، «عفاف و حجاب»، «اولویت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده» و «تساوی حقوق زن و مرد و عدم شباهت حقوق آن‌ها» از جمله دال‌های شناوری هستند که با استناد به دال مرکزی در مورد اشتغال زنان معنادار می‌شوند.

با استناد به آیات مختلف قرآن از جمله آیات ۳۲ و ۷ سوره نساء و قاعده تسلیط^۳ فقهای شیعه، اصل استقلال مالی و اقتصادی زن در اسلام محترم شمرده شده است. همچنین با استناد به تفاسیر آیات ۲۳ و ۲۵ سوره قصص و آیه ۲۳۴ سوره بقره، جواز اشتغال زنان را می‌توان استنباط و استخراج نمود. به عبارت صریح‌تر در گفتمان اسلامی نسبت به اشتغال زنان دید منفی وجود ندارد و کار و تلاش اقتصادی در خانه یا در بیرون از خانه برای زن ممنوع نشده است؛ اما در این میان شروطی وجود دارد:

الف- حق اشتغال زن، نباید سبب از هم پاشیدن خانواده یا کنار گذاشتن وظیفه پرورش نسل سالم شود؛ بنابراین در مواقع تراحم بین کار و ازدواج، یا کار و رسیدگی به وظایف همسری و پرورش کودک و عدم امکان جمع بین آن‌ها، خانواده مهم‌تر است و بر اساس اصل تقدیم اهم بر مهم، در امور متزاحم باید اشتغال زن فدای حفظ خانواده شود.

ب- حضور اجتماعی زن از جمله اشتغال بیرون از خانه مشروط به حفظ اصل عفاف و حجاب است.

تبلور عینی گفتمان اسلامی اشتغال زنان را به عینه می‌توان در قانون اساسی و قانون کار نظام جمهوری اسلامی

که امام خمینی در تحقق آن نقش کلیدی داشتند مشاهده نمود:

قانون اساسی: دیاچه، بند ۱۴ اصل سوم، اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی مؤید توجه

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) «هر مرد و زن مؤمنی که عمل شایسته انجام می‌دهد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات می‌دهیم».

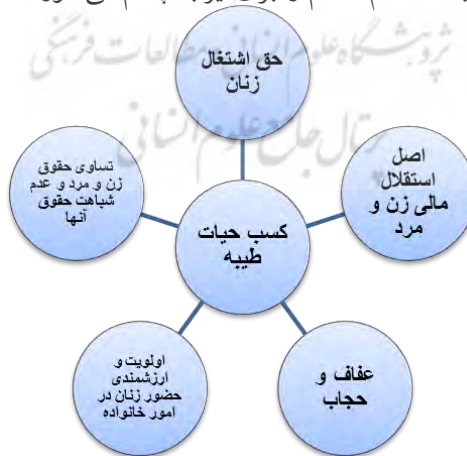
۲. آیه شریفه: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ» (نساء: ۳۲) نشان از اهمیت و ارزشمندی استقلال اقتصادی زن و مرد در آیین اسلام دارد.

۳. «الناس مسلطون علی اموالهم».

گفتمان انقلاب اسلامی به مسئله حقوق اجتماعی زنان هم‌راستا با گفتمان اسلامی (امام خمینی) است. در این بخش‌ها به ارزش و کرامت زنان در انجام وظایف مادری، حقوق قانونی و اجتماعی یکسان زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار و موظف نمودن دولت بر افزایش میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و نیز ایجاد محیطی امن برای فعالیت هر چه بیشتر زنان و ایجاد امنیت قضایی عادلانه تأکید شده است.

قانون کار: در قانون کار سعی بر این بوده است تا نه تنها مقابله نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی در مورد زنان مورد توجه قرار گیرد بلکه به لحاظ نقش و اهمیتی که اسلام برای زن در خانواده قائل است، مقررات به گونه‌ای تنظیم گردد تا زنان علاوه بر اشتغال در مشاغل گوناگون، بتوانند به وظایف خطیر خود در خانواده عمل نمایند. همچنین در این قانون در مبحث چهارم از فصل سوم به ویژه در ماده‌های ۷۵، ۷۶ و ۷۷ تلاش شده تا به خصوصیات روحی و جسمی زنان توجه شود.

با غور در گفتار، نوشتار و کردار امام خمینی درمی‌یابیم که از دیدگاه ایشان زنان آزادند در همه مشاغل کار کنند، در صورتی که با فطرت و طبیعتشان در تضاد نباشد؛ زیرا انحراف از فطرت، انسان را از رسیدن به کمالات معنوی بازمی‌دارد و زنان را از وظیفه اصلی خود که تربیت فرزندان است، دور می‌سازد (ملک‌زاده ۱۳۹۵: ۱۵۱). این رویکرد نه تنها در بیانات امام خمینی بلکه در بیانات مقام رهبری نیز به چشم می‌خورد.



شکل ۷- مفصل‌بندی دال اشتغال زن در گفتمان اسلامی (امام خمینی)

تبلور این گفتمان در سخنان و منش امام خمینی در قالب فتاویٰ فقهی، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و احکام قابل‌ردیابی است. برای مثال با بررسی مبانی فقهی امام خمینی و نقش عنصر زمان و مکان می‌توان به این نتیجه رسید که اشتغال زنان تا آنجا که به استحکام خانواده لطمه نزند و تربیت فرزندان را به خطر نیندازد و با رعایت عفاف و پرهیز از اختلاط زن و مرد صورت گیرد؛ بلا مانع است وگرنه در اسلام اولویت با خانواده و حفظ حریم این نهاد مقدس است و مجموع تعالیم اسلامی، درصدد است تا زن بدون ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی محیط امن خانه و خانواده را ترک نگوید (اکبر زاده ۱۳۹۰: ۱۶).

در زیر دال‌های مختلف گفتمان امام خمینی در مسئله اشتغال زن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

کسب حیات طیبه: امام خمینی معتقد بودند «از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست. زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بلکه در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۶۴). هدف اصلی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی زن نیز مانند مرد رسیدن به حیات طیبه است.

حق اشتغال زنان: بر اساس فقه پویا و توجه به زمان‌شناسی و شرایط اجتماعی، امام قبل از انقلاب با ورود زن‌ها به ادارات مخالف بودند. ولی پس از پیروزی انقلاب با این کار موافق بودند. چنانچه در اظهارنظرهای مختلف در اوایل انقلاب از جمله مصاحبه با روزنامه لس‌آنجلس تایمز به تاریخ ۱۶/۹/۵۷ بر حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی مانند دانشگاه‌ها و ادارات به شرط عدم فساد اخلاقی تأکید نمودند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۸۳).

ایشان ضمن انتقاد از شرایط ناسالم رژیم گذشته که زنان را از اشتغال بازداشته بود اظهار امیدواری می‌کند با تغییر محیط اجتماعی ایران تمام ناروایی‌هایی که معلول آن محیط بود از بین برود. همچنین تأکید می‌کند به وضع زنان متقاضی کار هرچه بهتر رسیدگی و موجبات رفاه آنان با اشتغال به کارهای مناسب فراهم شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۸۱).

ایشان همواره زنان را به فراگیری علوم مختلف به‌عنوان فراهم‌کننده بستر اشتغال بهتر، تشویق می‌کردند. این در حالی بود که برخی طبقات اجتماعی و اصناف جامعه، دختران و

زنان خود را از کسب علم و اشتغال به نام دین‌داری بازمی‌داشتند؛ اما حمایت بی‌دریغ ایشان از تحصیل و پیشرفت عملی و شغلی زنان در سیره خصوصی و خانوادگی ایشان مشهود است.

ایشان با رد شبهات محدود شدن زنان در نظام اسلامی بر این امر پافشاری می‌کردند که زنان نیز مثل مردان در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند (کدیور ۱۳۸۷: ۷۲) برای مثال در استفتایی درباره حضور زنان در مجری‌گری تلویزیون ضمن تأکید بر جایز بودن آن اشاره دارند که زن باید به وظایف شرعیه و پرهیز از اختلاط با مردان اجنبی مواظبت نماید. همچنین در استفتایی دیگر ایشان تأکید دارند که با فرض وقوع عقد مبنی بر اشتغال زوجه، شوهر حق منع او از آن اشتغال را ندارد (سایت تابناک مورخه ۲۸ آبان ۱۳۹۷).

اصل استقلال مالی زن و مرد: امام به‌عنوان يك فقیه به اصل استقلال مالی زن معتقد بودند و تأکید می‌کردند که در حکومت اسلامی زن‌ها در تحصیل و در دیگر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی آزادند، همان‌طور که مردها آزادند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۸۰). در نگاه ایشان، «اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۱۷).

ترغیب زنان به تلاش برای تحصیل علم و فعالیت‌های اجتماعی نشانه‌ای از باور قلبی امام به اصل استقلال مالی و حق اشتغال زنان است. نتیجه این نگاه، افزایش زنان شاغل و راه یافتن آنان به برخی از رده‌های مدیریتی پس از انقلاب است. تبلور این تفکر و اندیشه را می‌توان در نوع مواجهه ایشان با خانواده خود مشاهده نمود.

عفاف و حجاب: طرح موضوع عفت عمومی و حفظ آن، مفهوم مشارکت اجتماعی در گفتمان امام خمینی را از گفتمان مدرنیته متمایز می‌کند (سناک ۱۳۹۷: ۱۸). بر این اساس امام خمینی با وجود اعتقاد به آزادی زنان، مرز آزادی زن را جایی می‌داند که به عفت او یا مصلحت عمومی جامعه آسیبی نرسد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۸۵). این مسئله به اشتغال زنان در بیرون از خانه نیز قابل تسری است.

در گفتمان امام خمینی برخلاف گفتمان فمینیستی و لیبرالیستی، انسان (زن) موجودی خودبسنده نیست و با گستره آگاهی محدود، نیازمند راهنمایی آموزه‌های دینی با الگوبرداری از معصومین است. ایشان زنان شاخص در اسلام، به‌ویژه حضرت فاطمه (س) را الگوی یک

زن مسلمان دانسته و در موارد فراوانی بر لزوم پیروی از سیره ایشان سفارش کرده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۳۷).

معنا یافتن اشتغال زنان در مراکز مختلف با حضور دال حجاب و عفاف در گفتمان امام خمینی فضای گفتمانی جدیدی ایجاد کرد که ثمره آن ورود امیدوارانه میلیون‌ها زن ایرانی از پشت چهاردیواری خانه به صحنه عمومی است، چراکه در گفتمان پهلوی بر اساس درک غلط از نوسازی، برای تبدیل ایران از یک جامعه نیمه کشاورزی به کشوری مدرن، صنعتی و متمدن اقدامات فرهنگی مدنظر قرار گرفت که در رأس آن کم‌رنگ کردن عفاف و حذف حجاب بود. شاید بتوان غربی شدن را همه آن چیزی دانست که شاه برای جامعه خود و برای زنان در دوره مورد اشاره، مدنظر داشت (حافظیان ۱۳۸۰: ۷۳). این اقدامات مانعی مهم برای ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی به‌ویژه اشتغال بود. در نتیجه در این دوران امام ورود زنان را به ادارات و اشتغال آن‌ها را مفسده‌آمیز و مخل روند فعالیت‌ها می‌دانست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۳۰).

زمان‌شناسی و درک شرایط اجتماعی جدید توسط امام خمینی در مسئله حجاب نیز از عواملی است که با حفظ اصول اسلامی به مشارکت زنان در جامعه اسلامی به‌ویژه اشتغال آن‌ها کمک نمود. بر این اساس اگرچه ایشان چادر را حجاب کاملی می‌دانستند؛ ولی پوشش‌های مشابه چادر را که موجب مفسده نمی‌شود نیز کافی می‌دانستند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۲۹۴). امام در مصاحبه با خبرنگار روزنامه گاردین به تاریخ ۵۷/۸/۱۰ نیز تأکید نمودند «(زنان در انتخاب فعالیت و سرنوشت و همچنین پوشش خود با رعایت موازین آزادند)» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۲۴۷).

اولویت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده: در گفتمان امام خمینی توجه به نهاد خانواده در کنار حضور اجتماعی به‌ویژه اشتغال زنان اهمیت کلیدی دارد. ایشان آسیب‌های اجتماعی اشتغال زنان بدون در نظر گرفتن نقش خانوادگی آن‌ها را در دوره پهلوی به‌درستی تحلیل و تبیین کرده‌اند. از نظر امام «دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود... در دامن مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر تا در جوار معلم...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۹۴-۲۹۳). امام ریشه اکثر بزهکاری‌ها و آسیب‌ها و مفساد اجتماعی را در نتیجه عدم درک محبت مادری و محروم بودن از آن می‌دانند (امام

خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۹۳). ایشان معتقد بودند:

مع الأسف در این طول سلطنت، این‌ها کوشش کردند که مادرها را از بچه‌ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه‌داری چیزی نیست، شما توی ادارات بروید. جدا کردند این بچه‌های معصوم را که باید تربیت بشوند از دامن‌های مادر و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی، اشخاص غیر رحیم، آن‌ها را تربیت می‌کردند، تربیت فاسد. بچه‌ای که از مادرش جدا شد پیش هر که باشد عقده پیدا می‌کند، عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود. بسیاری از این قتل‌هایی که واقع می‌شود روی عقده‌هایی است که پیدا می‌شود و عقده‌ها بسیاری‌اش از این پیدا می‌شود که مادر از اولاد جدا باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۱۳۷-۱۳۶).

بر این اساس از دیدگاه امام نقش و جایگاه مهم دیگری که برای زنان ترسیم می‌شود، انسان‌سازی و تربیت افراد جامعه است: «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان يك قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است؛ و این امری است که انبیا می‌خواستند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۱۹۷).

تساوی و عدم شباهت حقوق زن و مرد: اعتقاد به حق اشتغال زنان در گفتمان

امام خمینی بر اصل تساوی حقوق زن و مرد و عدم شباهت حقوق آن‌ها استوار است. ایشان معتقد بود: «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۸۹). «زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۷۰). «از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسانند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۶۴).

همچنین ایشان معتقد بود در مواردی که به مسائل اخلاقی و معنوی و به اساس انسانیت انسان مربوط می‌شود دیگر تفاوتی بین زن و مرد نیست (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۶۴، ج ۵: ۱۸۳).

امام در عین دفاع از تساوی زن و مرد از نظر حقوق انسانی، تأکید می‌کند که «در بعضی

از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد)) (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۶۴) بلکه مربوط به طبیعت آنان است و به همین خاطر هرکدام احکام خاص خود را نیز دارند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۸۹، ۲۱۷ - ۲۱۶). برای مثال امام برای شخصیت علمی و فرهنگی زنان در اجتماع جایگاه ویژه‌ای قائل بودند و معتقد بودند امکان رسیدن به رتبه اجتهاد برای زن هم هست؛ ولی نمی‌تواند مرجع تقلید برای دیگران باشد (امام خمینی ۱۳۹۲ ج ۱: ۲۱). این تساوی و عدم تشابه حقوقی مرد و زن در برخی مسائل، ریشه در مصالح اجتماعی و مصالح فردی زنان و مردان جامعه دارد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی مشخصات انواع گفتمان‌های رایج درباره اشتغال زنان در جدول زیر خلاصه شده است: (جدول-۱).

دال‌های شناور	دال مرکزی	نام گفتمان	جبهه‌گیری گفتمان
	مقابله با نابرابری‌های جنسیتی؛ رفع مظلومیت تاریخی زن؛ عدم تفاوت بین زن و مرد در استعدادها، شغلی؛ حضور همه‌جانبه زنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی به‌ویژه اشتغال	خود بسندگی زنان	حامی اشتغال زنان
	اولویت حقوق فردی زن بر حقوق خانواده؛ محدودیت دخالت دولت در حوزه خصوصی؛ رضایت و قرارداد قانونی در اشتغال؛ برابری مرد و زن در حقوق و فرصت‌ها از جمله اشتغال؛ نظام بازار؛ حق آزادی زن از جمله روابط بین مرد و زن	انسان‌مداری	لیبرالیستی
	عدالت جنسیتی در بستر عدالت اجتماعی؛ نقد پیوند سرمایه‌داری و مردسالاری در اشتغال زنان؛ اشتغال زنان بر اساس مالکیت و برنامه‌ریزی دولتی؛ نقد تسلط مردان بر زنان در عرصه خانگی و عمومی	جایگاه زن در بستر اصالت جمع	سوسیالیستی
	نقد جایگاه شغلی زنان با ارجاع به نیازهای نظام سرمایه؛ نقد تقسیم کار جنسی در عرصه خانگی؛ نقد ایدئولوژی خانواده؛ تبیین رابطه سرکوب زنان و دیگر انواع سرکوب و استثمار	جایگاه زن در جامعه بی طبقه	ملرکیستی

مخالف اشتغال زنان	سنتی	نابرابری ذاتی و طبیعی زن با مرد	تأکید بر نقش خانوادگی زن؛ کار زن در حصار خانه و مزرعه پدری یا شوهری؛ بدبینی به حضور اجتماعی زن؛ سلسله مراتب قدرت خانوادگی (پدرسالاری)
	نظم گرایی خانوادگی	انتظام خانواده هسته‌ای	تفکیک نقش‌های خانوادگی؛ سلسله مراتبی قدرت نسبی؛ اشتغال بیرون از منزل شوهر؛ همسرگزینی آزاد
موافق مشروط با اشتغال زنان	اسلام (امام خمینی و مقام معظم رهبری)	کسب حیات طیبه	حق اشتغال زنان؛ اصل استقلال مالی زن و مرد؛ عفاف و حجاب؛ اولویت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده؛ تساوی حقوق زن و مرد و عدم شباهت حقوق آن‌ها

جدول ۱- مقایسه تطبیقی گفتمان‌های مختلف با گفتمان امام خمینی (ع)
محوریت مفصل‌بندی دال اشتغال زن

گفتمان‌های اشتغال زنان را می‌توان در یک طیف دوقطبی قرار داد. در یک انتهای آن نگاه سنتی به زنان است که با نگاهی تبعیض‌آمیز، زنان را در جایگاهی نازل‌تر از مردان می‌بیند و حق اشتغال آن‌ها را رد می‌کند. گفتمان‌های سنتی و نظم‌گرایی محافظه‌کار در این طیف قرار دارند. در انتهای دیگر نگاهی غربی به زنان است که در ضدیت با نگاه دینی منکر تفاوت بین مردان و زنان در مسئله اشتغال است. گفتمان امام خمینی در غیریت‌سازی خود با هر دو گفتمان تلاش می‌کند خود را هم با شرایط متجدد و هم با باورها و بنیادهای ریشه‌دار مذهبی و فرهنگی پیرامون زنان سازگار نماید.

الف - نگاه سنتی به زنان: گفتمان سنتی با استناد به تفاوت نظام طبیعی در خلقت، زن را به پستوی خانه راهنمایی کرده بود و هیچ حق فعالیت اجتماعی از جمله فعالیت مستقل اقتصادی بیرون از خانه را متصور نبود. این گفتمان وضعیت فرودست یا حداقل متفاوت زنان را با تکیه به طبیعت و نقش طبیعی آن‌ها به‌عنوان مادر، همسر و دختر توضیح می‌داد و از آموزه‌های دینی و عرفی برای توجیه آن استفاده می‌کرد؛ اما بر اساس گفتمان امام خمینی به‌رغم تفاوت نظام طبیعی در خلقت زن و مرد نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت، چراکه هر دو دارای هویت انسانی می‌باشند و دارا بودن هویت انسانی می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصت‌های اجتماعی فراهم آورد و تفاوت‌های طبیعی مذکور تنها می‌تواند برخی استعدادها را خاص در هر دو جنس را مشخص کند. در این گفتمان باورهای خرافه در مورد زنان به نام دین، طرد می‌شود.

ب- نگاه غربی به زنان: در گفتمان اشتغال زنان از دیدگاه امام خمینی برای غیریت سازی با گفتمان غربی بر طرد دو عنصر اصلی «کالایی شدن و شیء انگاری زن» و «انحطاط به بهانه پیشرفت» تأکید می‌شود. در راستای طرد دال «کالایی شدن زنان» امام از برنامه‌های رژیم پهلوی درباره زنان، به این دلیل که آن‌ها را از ارزش‌های انسانی تهی و به کالا یا عروسک تبدیل می‌کند، انتقاد می‌کرد. این برنامه‌ها به‌عنوان مانعی مهم در راه ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی از جمله اشتغال بود.

گفتمان امام خمینی در غیریت سازی خود با دیگر گفتمان‌ها ضمن تأکید بر پیشرفت زنان، بین پیشرفت و انحطاط به بهانه پیشرفت تفکیک قائل می‌شود.

مهم‌ترین تفاوت مبنایی گفتمان‌های متأثر از اندیشه مدرنیته از جمله فمینیسم و لیبرالیسم یا گفتمان‌های چپ مانند سوسیالیسم و مارکسیسم با گفتمان اسلامی (امام خمینی) آن است که در گفتمان امام حق اشتغال زن بر اساس اولویت آموزه‌های دینی (کسب حیات طیبه) قرار دارد، ولی مبنای گفتمان‌های دیگر خودبسنده‌گی زن یا اصالت جمع با انکار آزادی‌های فردی است طوری که در این گفتمان‌ها مسئله اشتغال زنان ابزاری برای اثبات برتری زن و یا مقصر نشان دادن مرد تلقی شده و نیازهای زن به‌عنوان یک انسان فراموش می‌شود. بر این اساس حامیان گفتمان‌های متأثر از مدرنیته به‌ویژه گفتمان فمینیسم رادیکال تغییر دادن نقش‌های ویژه و تعریف شده برای زنان به‌ویژه حوزه اشتغال را یکی از راه‌های دفاع از حقوق آنان می‌داند؛ ولی بررسی دیدگاه امام نشان می‌دهد که از نظر ایشان، عمل زنان به وظایف و مسئولیت‌های خاص خود، منافاتی با دیگر فعالیت‌های اجتماعی و شغلی آن‌ها ندارد. در همین راستا ایشان هم بر نقش زنانه و تربیت فرزند از سوی زنان تأکید دارد و هم آنان را به تحصیل دانش و شرکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، شغلی و حتی در مواقع ضروری، حضور در میدان جنگ یا دفاع، تشویق و ترغیب می‌کند.

دیدگاه اسلامی با خوانش امام، از امتیازهای بالاتری برای حفظ حقوق زن و احیای کرامت او در عرصه اشتغال برخوردار است. بر اساس معیارهای قضاوت برون دینی و تحلیل‌های عقلی و بررسی پیامدهای هر یک از گفتمان‌ها، علل برتری این گفتمان را در رویکرد به مسئله زنان باید در واقع بینی، نگاه فرا جنسیتی، جامعیت و همه‌جانبه نگری، نگاه انسانی به زن، تعادل در نگاه و بهره گرفتن از دین جستجو نمود. امتیازات هژمونی گفتمان

امام در صحنه عمل در ورود سالم و بی دغدغه زنان به مراکز اشتغال و کار و هم‌زمان با آن حل تعارض نقش‌های چندگانه زنان در عرصه خانواده و کار قابل مشاهده است.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس. (۱۳۸۷) **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- استاک، روح‌الله. (۱۳۹۷) «جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان‌های ایرانی (با تأکید بر گفتمان امام خمینی)»، **فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ**، شماره ۳۵.
- اکبر زاده، لیلا. (۱۳۹۰) **پرسی دیدگاه امام خمینی (س) در باره اشتغال زنان و بیان مبانی فقهی - حقوقی آن**، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) **صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۹۰) **جایگاه زن در اندیشه امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۹۲) **استفتائات**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- بامداد، شیدا. (۱۳۷۵) **ساختار اشتغال زنان کشور و تغییرات آن در چهل سال گذشته و بررسی رابطه میزان‌های اشتغال زنان با عوامل اجتماعی - اقتصادی در شهرستان‌های ایوان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- بی‌پرویش، مانفرد. (۱۳۶۳) **زبان‌شناسی جدید**، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: نشر آگاه، چاپ دوم.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴) **گفتمان، پادگفتمان و سیاست**، تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- توحید فام، محمد. (۱۳۸۳) **چرخش‌های لیبرالیسم**، تهران: انتشارات روزنه.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۸۰) **زنان و انقلاب**، تهران: اندیشه برتر.
- حسینی زاده، سید محمدعلی. (۱۳۸۳) «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲۸.

معصومه عبدالوهابی و همکاران: گفتمان‌های اشتغال زنان (مقایسه دیدگاه امام خمینی^(ع) با دیگر ... ۱۰۳

- رحمتی، حسینعلی. (۱۳۸۶) «کرامت زن در اسلام و غرب، مورد پژوهی تطبیقی امام خمینی و فمینیسم»، **پژوهشنامه متین**، شماره ۳۶.
- سایت تابناک. (۲۸ آبان ۱۳۹۷) **فتاوی آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره) در مورد اشتغال زنان**
<https://www.tabnak.ir/fa/news/852833>
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸) **در آمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قجری، حسینعلی و جواد نظری. (۱۳۹۲) **کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی**، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- کدیور، جمیله. (۱۳۸۷) «بررسی گفتمان امام خمینی در مورد زنان»، **پژوهشنامه متین**، شماره ۳۹.
- گولد، جولیس و ویلیام ل کولب. (۱۳۸۴) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه گروه مترجمان به کوشش محمدجواد زاهدی، تهران: انتشارات مازیار.
- لاکلا، ارنستو و شانتال موفه. (۱۳۹۳) **هژمونی و استراتژی سوسیالیستی**، ترجمه محمدرضایی، تهران: ثالث.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰) **سالنامه آماری ایران**، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱) **سالنامه آماری ایران**، تهران: مرکز آمار ایران.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۸) **از جنبش فمینیسم تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم**، تهران: نشر شیراز.
- ملک‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۵) «نقش اشتغال زنان در توسعه جامعه بارویکردی بر دیدگاه امام خمینی^(ع)»، **پژوهشنامه متین**، شماره ۷۲. *ژورنال طابع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- منصور نژاد، محمد. (۱۳۸۱) **رویکردهای نظری در گفتگوی تمدن‌ها**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- _____ (۱۳۹۲) «نسبت توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام»، **پژوهش‌های سیاست اسلامی**، شماره ۱.
- میلنر، آندرو و جف براویت. (۱۳۸۵) **در آمدی بر نظریه فرهنگی معاصر**، ترجمه جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس.
- نمازی، حسین. (۱۳۷۴) **نظام‌های اقتصادی**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

-
- ون دایک، تئوای. (۱۳۸۲) **مطالعاتی در تحلیل گفتمان**، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - هاجری، عبدالرسول. (۱۳۸۲) **فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو**، قم: بوستان کتاب.
 - یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۸۹) **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
 - Abbott, P. Tyler, M. Wallace, C. (2008) *An Introduction to Sociology: Feminist Perspectives*, Translation into Persian Manijeh Najm Eraghi, Nashr-e-Ney Publishing, Tehran (In Persian).
 - Akbarzadeh, L. (2011) *Studying Imam Khomeini's Views on Women's Employment and Explaining Its Jurisprudential- Legal Basics*, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Center, Tehran (In Persian).
 - Bamdad, Sh. (1996) *Iranian Women's Employment Structure and Its Transformations in the Past Forty Years and Studying the Relationship between Women's Employment and Social-Economic Factors in Iranian Provinces* (A Thesis for a Master Degree), Faculty of Sociological Sciences, University of Tehran (In Persian).
 - Bierwisch, M. (1984) *Modern Linguistics: Its Development, Methods and Problems*, Translation into Persian : Mohammad Reza Bateni, Agah Publishing. Tehran (In Persian).
 - Code, Lorraine (ed). (2000) *Encyclopedia of Feminist Theories*, London and Routledge, 1st. ed.
 - Dijk, T. A. v. (2003) *Discourse Analysis Reviews: Articles*, Translation into Persian : Pirooz Izadi, Media Studies and Researches Center, Ministry of Culture and Islamic Guidance Press (In Persian).
 - Estak, Rohollah. (2018) "Women's Position and Identity in the Conflict among Iranian Discourses" (with Emphasis on Imam Khomeini's Discourse), *Women and Culture Scientific Research Quarterly*, 35 (In Persian).
 - Flick, Uwe. (2009) *An Introduction to Qualitative Research*, Translation into Persian: Hadi Jalili, Nashr-e-Ney Publishing, Tehran (In Persian).
 - Galston, William A. (2002) *liberal pluralism; The Implications of Value Pluralism for Political Theory and Practice*, London: Cambridge University Press.

- Ghajari, H. A. Nazari, J. (2013) *Discourse Analysis: Application in Social Researches*, Jame'e Shenasan Publication, Tehran (In Persian).
- Gould, J. Kolb, W. L. (2005) *A Dictionary of the Social Sciences*, Translation into Persian: Mohammad Jvad Zahedi, Maziar Publication, Tehran (In Persian).
- Hafezian, M. H. (2001) *Women and Revolution*, Andishe-ye-Bartar Publishing, Tehran, (In Persian)
- Hajari, A. (2003) *Universal Feminism and Its Challenges*, Boostan-e-Ketab Publishing (In Persian).
- Hosseinizadeh, S. M. A. (2004) "Theory of Discourse and Political Analysis", *Political Sciences Quarterly*, 28 (In Persian).
- Jager.s.(2001) "Discourse and Knowledge: Theoretical Methodical Aspects of A Critical Discourse and Dispositive Analysis", in *Methods of Critical Discourse Analysis*, London, Sage, pp 32-62.
- Jorgensen, M; Phillips, L. (2010) *Discourse Analysis as Theory and Method*, Translation into Persian: Hadi Jalili, Nashr-e-Ney Publishing, Tehran.
- Kadivar, J. (2008) "Studying Imam Khomeini's Discourse on Women", *Matin Research Journal*, 39 (In Persian).
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah. (2000) *Sahife-ye-Imam*, Tanzim va Nashr-e-Asar-e-Imam Khomeini Institute, Tehran (In Persian).
- _____. (2011) *Women's Position in the Views of Imam Khomeini*, Tanzim va Nashr-e-Asar-e-Imam Khomeini Institute, Tehran (In Persian).
- Laclau, E and Mouffe. (1985) *Hegemony and social strategy: toward a radical democratic*, London: Verso.
- _____. (2014) *Hegemony and Socialist Strategy*, Translation into Persian: Mohammd Rezaei, Sales Publication, Tehran (In Persian).
- Malekzadeh, F. (2016) "The Role of Women's Employment in Social Development with an Emphasis on Imam Khomeini's Views", *Matin Research Journal*, 72 (In Persian).
- Mansoornejad, M. (2013) "The Relationship between Development and Justice in Three Discourses of Liberalism, Socialism, and Islam", *Journal of Islamic Policy Researches*, 1 (In Persian).

- Milner, A. Browitt, J. (2006) *Contemporary Cultural Theory: An Introduction*, Translation into Persian: Jamal Mohammadi, Ghoghnoos Publishing, Tehran (In Persian).
- Moshirzadeh, H. (2008) *From Social Movement to Social Theory: The History of Feminism for Two Centuries*, Shiraz Publication (In Persian).
- Namazi, H. (1995) *Economic Systems*, Shahid Beheshti University Press, Tehran (In Persian).
- Rahmati, H. (2007) "Woman's Greatness in Islam and in the West: A Comparative Case Study: Imam Khomeini and Feminism", *Matin Research Journal*, 36 (In Persian).
- Schiffrin, D. (1994) *Approaches to discourse*, Oxford and Cambridge: Blackwell.
- Tajik, M. R. (2005) *Discourse, Anti-discourse, and Politics*, Tose e-ye-Olum-e-Ensani Institute, Tehran. (In Persian)
- Tohid Fam, M. (2005) *Evolution of Liberalism*, Rozaneh Publishing, Tehran. (In Persian)
- Zalewski, Marysia. (2000) *Feminism after Postmodern*, Theorising Through Practice, London and Routledge.